

# ورزش تربیتی

گفت و گو با دکتر محمدحسین رضوی  
از متخصصان و پیشکسوتان  
رشته تربیت بدنی

نصرالله دادار

سیدمحمدحسین رضوی در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی در آمل متولد شد. وی پس از گرفتن مدرک دیپلم، در مدرسه عالی ورزش ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۵، لیسانس خود را در رشته تربیت بدنی اخذ کرد. ایشان در سال ۱۳۶۸، مدرک کارشناسی ارشد خود را با دانشنامه مدرسی از دانشگاه تربیت مدرس گرفت و پس از آن در دوره دکتری در رشته مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۸۳، مدرک دکتری خود را در این رشته دریافت کرد.



آقای رضوی در دی ماه سال ۱۳۵۷، به استخدام آموزش و پرورش به عنوان معلم تربیت‌بدنی در شهرستان بابل درآمد و به علت هم‌زمانی با وقوع انقلاب اسلامی و تعطیلی مدارس، ایشان کار تدریس را عملاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اسفندماه سال ۱۳۵۷ در دبیرستان طالقانی شهرستان بابل آغاز کرد. وی هم‌زمان با تدریس درس تربیت‌بدنی، به تدریس درس تعلیمات دینی نیز می‌پرداخت.

او در سال ۱۳۶۰ هـ.ش به دعوت دکتر سید نصرالله سجادی، مدیرکل وقت تربیت‌بدنی آموزش و پرورش، به تهران آمد و به عنوان کارشناس مسئول آموزش و پژوهش، همکاری با ایشان را آغاز کرد و به مدت چهار سال در این مسئولیت مشغول شد.

ایشان در سال ۱۳۶۵ و هم‌زمان با پذیرفتن مسئولیت سازمان تربیت‌بدنی از سوی آقای درگاهی، به عنوان معاون امور فرهنگی و آموزش این سازمان منصوب و مشغول به کار شد که تا سال ۱۳۶۸ ادامه یافت. پس از آن به مرکز تربیت معلم آموزش و پرورش راه یافت و به عنوان مدرس تربیت‌بدنی مشغول به کار شد. پس از مدتی، او به سازمان هواپیمایی کشوری رفت و به عنوان معاون آموزشی و طرح و برنامه آن سازمان کار کرد. سپس به عنوان مشاور رئیس دانشگاه تربیت مدرس به این دانشگاه راه یافت و در سال ۱۳۷۲، به سمت معاونت اداری مالی آن دانشگاه منصوب شد.

دکتر رضوی در پایان همین سال به حسب درخواست آقای مهندس هاشمی طباطبائی، رئیس سازمان تربیت‌بدنی وقت، به عنوان معاون امور فدراسیون‌های این سازمان

منصوب شد که تا سال ۱۳۷۳ در این مقام همکاری خود را ادامه دادند.

وی از سال ۱۳۷۳ به تدریس در دانشگاه‌ها در رشته تخصصی خود پرداخت و در سال ۱۳۸۶ با رتبه دانشیاری از دانشگاه مازندران بازنشسته شد. علاوه بر همه مسئولیت‌ها و انجام وظایفی که به آن‌ها اشاره شد، یکی از کارهای بسیار ارزشمند دکتر رضوی، تأسیس دانشگاه شمال است که هم‌اکنون هفت هزار دانشجو دارد و یکی از مؤسسات ویژه آموزش عالی در بخش غیردولتی است.

«نقش تربیتی آموزش تربیت‌بدنی» یکی از مباحث اساسی، مهم و چالش‌برانگیز امروز جامعه علمی ماست.

به اعتقاد بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت، درس تربیت‌بدنی می‌تواند نقش تربیتی بسیار مهمی در جامعه دانش‌آموزان ایفا کند و این یکی از مسائل مهمی است که در نظام تعلیم و تربیت جامعه ما به آن غفلت شده است.

به منظور تبیین این دیدگاه، گفت‌وگویی با یکی از متخصصان و پیشکسوتان رشته تربیت‌بدنی (دکتر محمدحسین رضوی) انجام داده‌ایم که در ادامه توجه شما را به آن جلب می‌کنیم.

آقای رضوی، موضوع اصلی بحث ما

نقش تربیتی درس تربیت‌بدنی است.

جناب عالی که در این زمینه دارای تجارب ارزشمند علمی، آموزشی و عملی هستید، بفرمایید آموزش تربیت‌بدنی می‌تواند چه تأثیرات تربیتی در دانش‌آموزان داشته باشد؟

اندیشمندان و دانشمندان فلسفه تعلیم و تربیت معتقدند: «تربیت‌بدنی»، بخش تفکیک‌ناپذیر تعلیم و تربیت است که از طریق ورزش، بازی و فعالیت‌های بدنی به رشد و تکامل انسان کمک می‌کند

شناختی، عاطفی و روانی حرکتی است. امروزه، با تحقیقات مختلفی که توسط اندیشمندان تربیت‌بدنی حاصل شده، حتی این اعتقاد به وجود آمده که تربیت‌بدنی می‌تواند موجبات رشد بهره‌هوشی را فراهم کند که لازمه آموزش و یادگیری است.

از این‌رو، تردیدی نیست که تربیت‌بدنی یکی از ابزارهای مهم تربیتی است که می‌تواند در نظام آموزش و پرورش به آن توجه شود. خوشبختانه، توصیه‌های مؤکدی هم از جانب اولیای دین و مسئولان نظام اسلامی در اهمیت بخشی به درس تربیت‌بدنی بیان شده که می‌تواند به منزله منابع مفید و مؤثر، توجه برنامه‌ریزان امر را جلب کند.

جا دارد اشاره شود که مکاتب فلسفی که امروزه هدایت‌گر نظامات آموزش و پرورش هستند، هر یک به سهم خودشان برنامه‌های جاذب و جالبی را در حوزه تربیت‌بدنی به مثابه بخشی از نظام تعلیم و تربیت ارائه کرده‌اند. مکاتب شاخص از جمله ایده‌آلیسم، رالیسم و پراگماتیسم است که البته فلسفه پراگماتیسم مکتب غالب کشورهای اروپایی است که فعالیت‌های ورزشی را وسیله تربیتی بسیار باارزشی می‌داند، که از طریق درس تربیت‌بدنی می‌تواند فرصت‌هایی را برای ایجاد تجربیات ضروری زندگی برای کودکان فراهم کند. به نحوی که موجب خلاقیت، خودارزیابی، خودبیانگری و ایجاد فرصت مناسب برای تحقق ایده‌آل‌های مطلوب و هدایت شایسته فرد شود. برنامه درسی ورزشی

فعالیت‌هایی را عینیت می‌بخشد که می‌تواند کودکان را به عنوان شهروندان مفید در خدمت جامعه قرار دهد.

با توجه به نقش تربیتی که برای درس تربیت‌بدنی قائل هستید، نظام برنامه‌ریزی آموزشی این درس چگونه باید باشد؟

آندیشمندان و دانشمندان فلسفه تعلیم و تربیت معتقدند: تربیت‌بدنی بخش تفکیک‌ناپذیر تعلیم و تربیت است که از طریق ورزش، بازی و فعالیت‌های بدنی به رشد و تکامل انسان کمک می‌کند.

تعلیم و تربیت می‌تواند در سه قلمرو و حیطة تربیتی شامل حیطة شناختی، حیطة احساسی و عاطفی و حیطة روانی حرکتی، آموزه‌های خودش را به مخاطب منتقل کند؛ بنابراین تربیت‌بدنی که بخشی از نظام تعلیم و تربیت است، این توانایی را دارد که در هر سه حیطة تعلیم و تربیت به تربیت دانش‌آموزان کمک کند.

درس تربیت‌بدنی در حیطة دانشی یا شناختی قادر است آموزش بهداشت، تندرستی و بسیاری از قواعد یادگیری را با تبلور حرکت به بچه‌ها منتقل کند. بنابر دیدگاه جان دیویی، حرکت منشاء یادگیری است و تربیت‌بدنی محرک و موجد حرکت است. بنابراین می‌تواند منشاء یادگیری در نتیجه هماهنگی‌هایی بشود که بین عصب و عضله ایجاد می‌کند و بنیادهای حرکتی که لازمه یادگیری مطالب درسی می‌باشد.

آموزش تربیت‌بدنی در حیطة عاطفی و احساسی قادر است موجبات رشد استعدادهای عاطفی و احساسی بچه‌ها از جمله تعامل آن‌ها، نظم، انضباط، روحیه جوانمردی و بسیاری از شاخص‌های اخلاقی را فراهم آورد.

تربیت‌بدنی در حوزه روانی حرکتی هم قادر است با بهبود آگاهی‌های بدنی، انجام دادن حرکات

جسمانی مؤثر را با صرف انرژی کمتر و حرکت آمیخته با مهارت و نیز حس زیبایی‌شناسی و جذابیت را در دانش‌آموزان تبلور ببخشد. بنابراین، تربیت‌بدنی بخش تفکیک‌ناپذیر نظام تعلیم و تربیت در سه قلمرو اصلی و اساسی

**در سال ۱۳۰۶، در  
قانون آموزش و پرورش،  
درس ورزش به عنوان  
یک درس اجباری در  
برنامه روزانه مدارس  
گنجانده شد**



متأسفانه، طی بالغ بر ۸۰ سال، همواره در بودن و نبودن درس تربیت بدنی، اختلاف‌هایی بین اولیای آموزش و پرورش وجود داشته است

متخصصی برای این کار بگمارند و فضای مناسبی هم برای تحقق این امر ایجاد و مجهز کنند. جا دارد اشاره کنم که در قانون آموزش و پرورش در سال ۱۳۰۶ درس ورزش به عنوان درسی اجباری در برنامه روزانه مدارس گنجانده شد و گفتند:

«هر مدرسه‌ای باید روزانه درس ورزش را داشته باشد ولی عملاً این قانون زمینه اجرا پیدا نکرده است. به نحوی که تا دو سال اخیر که خوشبختانه با استخدام بالغ بر ۱۵ هزار معلم ورزش در نظام تعلیم و تربیت تلاش شده است که حداقل از پایه سوم دبستان معلم خاص ورزشی، اجرای درس تربیت بدنی را در مدارس کشور به عهده گیرند.

متأسفانه، طی بالغ بر ۸۰ سال، همواره در بودن و نبودن درس تربیت بدنی اختلاف‌هایی بین اولیای آموزش و پرورش وجود داشته است به نحوی که با مشکلاتی که در جذب معلمان داشتند، عملاً دوره ابتدایی را نادیده گرفتند که بهترین دوران یادگیری آموزش‌های تربیت بدنی است. خدای رحمت کند **دکتر رجبعلی مظلومی** را که متذکر

آن در اهمیت جایگاه درس تربیت بدنی جدای از تاریخچه‌ای که برای این درس در نظام آموزش و پرورش کشور پیش‌بینی شده است، موقعیت این درس در نظام‌های دیگری که جدا از مبانی ارزشی، ما آن‌ها را نظام توسعه یافته یا پیشرفته می‌نامیم، به نحوی است که درک درستی از این درس در توسعه بخشی از ابعاد تعلیم و تربیت پدید آمده است؛ به گونه‌ای که در برنامه‌ریزی نظام آموزشی با رعایت منابعی که باید برای اجرای این رسالت فراهم باشد، از جمله: معلمان واجد شرایط، فضای آموزشی مناسب، مطالب آموزشی و کمک آموزشی و نهایتاً ظرف زمانی، می‌تواند محتوای درسی را محقق کند. در کشور آمریکا همه‌روزه دانش‌آموزان به این درس مبادرت می‌ورزند و در بسیاری از کشورهای اروپایی شش ساعت و دست کم چهار ساعت در طول هفته به تربیت بدنی اختصاص داده می‌شود. بنابراین نظامات آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته اهمیت درس تربیت بدنی را درک کرده‌اند و تلاششان بر این است که معلمان آموزش دیده و

این نکته شد که دوران تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است و بیشترین تأثیرپذیری امور تربیتی از طریق عاملان تربیت در این سنین انجام می‌شود. متأسفانه، طراحی نظام آموزش و پرورش ما به نحوی بوده است که عملاً از این امر غفلت شده است و دانش‌آموزان تا دوره راهنمایی غالباً معلم ورزش نداشته‌اند. در همان ابتدای حضور اینجانب در تربیت‌بدنی آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۰، به کمک مدیریت تربیت‌بدنی که آقای دکتر سیدنصرالله سجادی بود و همکاری که در حوزه امور آموزشی و تحقیقاتی خدمت می‌کردند، تلاش شده بود که به مسئولان آموزش و پرورش در حوزه پژوهشی و تدوین کتاب‌های درسی قبولانده شود که اگر تربیت‌بدنی درس است، این درس باید معلم، کلاس، کتاب و فضای آموزشی مناسب به موازات سایر دروس داشته باشد. به یاد دارم جلسات مختلفی را در توجیه این امر با آقای دکتر غلامعلی حدادعادل در همین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی داشتیم که متأسفانه، در توجیه امر موفقیت زیادی حاصل نشده اما در دوران ریاست مرحوم مهندس علاقه‌مندان که امور پژوهشی و تدوین کتاب‌های درسی را در نظام آموزش و پرورش عهده‌دار بودند و حسب پیشینه آشنایی و رفاقتی که با ایشان از قبل از انقلاب داشتم، ایشان پذیرفتند که درس تربیت‌بدنی مشابه سایر دروس در مدارس باید کتاب درسی و کمک آموزشی داشته باشد و برای تحقق همین منظور واحدی هم در سازمان پژوهش و کتاب‌های درسی اختصاص

و تدریس کتاب آموزش درس تربیت‌بدنی در پایه‌های تحصیلی دوره‌های مختلف آموزش و پرورش شد. تدوین آن کتاب معرف این موضوع بود که آموزش محتوای درس، کار یک معلم حرفه‌ای و آموزش‌دیده است و نیز اجرای درس مزبور در مدرسه

مستلزم داشتن امکانات و تجهیزات است که در تدوین برنامه پنج ساله چهارم توسعه مقرر شد درس تربیت‌بدنی از ۲ ساعت به ۳ ساعت ارتقا یابد و حداقل هر پنج مدرسه‌ای که در نزدیکی و همجواری هم قرار دارند، یک سالن یا یک مجتمع ورزشی در اختیار داشته باشند که عملاً با عدم اجرای برنامه چهارم توسعه در این زمینه، اهداف مزبور محقق نشد.

به خاطر دارم برای تدوین کتاب درسی دوره تحصیل در حوزه ورزش از تجارب کشورهای نظیر ژاپن و کره جنوبی استفاده شد.

استاد، به نظر شما در حال حاضر آموزش درس تربیت‌بدنی در مدارس ایران با کدام چالش‌ها و چه نوع مشکلات و معضلاتی روبه‌روست؟

اساساً حضور دانش‌آموز در نظام آموزشی برای یک دانش‌بنظر موفقیت‌های آتی آن‌هاست. خانواده‌ها تلاش می‌کنند که دانش‌آموزان را به سمت و سویی هدایت کنند که آنان با کسب مهارت‌های دانشی به عنوان شهروند، افراد موفق باشند. برای کسب موفقیت‌ها در نظام آموزشی، دروسی اعتبار و موقعیت دارند که به زعم خانواده‌ها کمک به موفقیت آن‌ها می‌کند. از جمله دروس ریاضی، علوم و دروس مشابه؛ به نحوی که خانواده‌ها انتظار دارند بچه‌هایشان در موفقیت‌های شغلی مناسب قرار بگیرند، مثلاً دکتر یا مهندس شوند یا حداقل کارمندان ادارات دولتی شوند و برای توفیق به این امر در اولویت‌بخشی دروس آموزشی، درس تربیت‌بدنی اعتبار لازم را ندارد و براساس چنین پیشینه‌های ذهنی، مدیران نظام آموزش و پرورش که خود از طبقات خانواده‌های شهری و روستایی

هنوز برای اولیای دانش‌آموزان و نظام آموزش و پرورش، اهمیت درس تربیت‌بدنی با محتوا و قلمرو تخصصی جا نیفتاده است

هستند هم سویی با نگرش مزبور را دارند. بنابراین برای دو طبقه اولیای فرزندان و نظام آموزش و پرورش، اهمیت درس تربیت‌بدنی با محتوا و قلمرو تخصصی که در دنیای معاصر دارد، جان‌یافته است. اگرچه نظام‌های موفق آموزش و پرورش در دنیا، حسب تحقیقات بسیار به این نتیجه رسیده‌اند که درس تربیت‌بدنی نه تنها اهمیت کمتری از سایر دروس ندارد بلکه واجد امتیازاتی است که آن را در موقعیت

**نظام‌های موفق آموزش و پرورش در دنیا، به این نتیجه رسیده‌اند که درس تربیت‌بدنی نه تنها اهمیت کمتری از سایر دروس ندارد، بلکه واجد امتیازاتی است که آن را در موقعیت ممتازی قرار داده است**

ممتازی قرار داده است. دلایل این کار این است که کودک و نوجوان حسب فطرت خویش تمایل به بازی و ورزش دارد امروزه حتماً آموزش علوم و ریاضی از طریق آموزش بازی و ورزش، یادگیری پایداری را در ذهن بچه‌ها فراهم می‌سازد و در زمینه‌های تربیتی نیز ثابت شده است که فضای آموزشی که درس ورزش و نهایتاً معلم ورزشی ایجاد می‌کند بهتر و مهم‌تر از سایر دروس می‌تواند در کشف شکوفایی استعدادهای تربیتی مفید واقع شود. به تعبیر استاد رجبعلی مظلومی، معلم ورزش معلم‌ترین معلم‌هاست به جهت این که درس ورزش در هماهنگی با فطرت دانش‌آموزان مورد علاقه و نیاز دانش‌آموزان است. دانش‌آموز با حضور قلبی و علاقه شخصی در فضای آموزشی درس ورزش حضور می‌یابد که این امکان ممکن است در درس‌های دیگر برای بچه‌ها فراهم نباشد.

با عنایت به مطالب مزبور چالش‌های پیش‌رو در درجه اول درک درست مسئولان نظام آموزش و پرورش در اهمیت این درس است که متأسفانه به این مهم دست نیافته‌اند. دومین چالش در اهمیت‌بخشی درس تربیت‌بدنی، خانواده‌ها هستند که در قیاس با اهمیت‌بخشی سایر دروس برای این که فرزندان‌شان شهروندان مفید و بانشاطی در

جامعه بار بیابند به اهمیت درس ورزش وقوف ندارند. چالش دیگر نبود امکانات لازم، تجهیزات و ظرف زمانی مناسب برای تحقق اهداف درسی تربیت‌بدنی در پایگاه‌های آموزشی است که مدارس هستند. بنابر چالش‌های مزبور مدیران مدارس نیز در قیاس با دروس دیگر، حسب درک و فهمی که از تربیت‌بدنی و محدودیت‌هایی که از نظر امکانات و تجهیزات دارند، ترجیح داده‌اند به این مهم کمتر توجه کنند.

خوشبختانه، وزیر فعلی آموزش و پرورش، **جناب آقای دکتر بابایی**، در مصاحبه‌ها و اقداماتشان تلاش کرده است که حداقل عاملان این درس (تربیت‌بدنی) را در مدارس استخدام بکند که خود جای تشکر دارد اما کافی نیست. معلم بایستی برای تحقق اهداف درسی تربیت‌بدنی، برنامه داشته باشد و در ظرف زمانی خاص بتواند به اهداف اصولی مورد نظر در درس تربیت‌بدنی دست یابد.

نقش وزارت ورزش و جوانان و دستگاه‌های ورزشی را در رشد و ارتقاء جایگاه آموزش تربیت‌بدنی در مدارس کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آ اگرچه تعداد دانش‌آموزان و اولیای اموری که در مدارس هستند بخش چشمگیری از جمعیت تحت پوشش و مخاطب وزارت ورزش و جوانان هستند، عملاً به دلایل ساختاری، وزارتخانه مزبور که به‌طور مستقیم و بنابر وظایفی که قانون اساسی به‌عهده آن گذاشته است، مسئولیت تعمیم و توسعه آموزش تربیت‌بدنی را برای اقشار مختلف جامعه عهده‌دار است، درک درستی از این موضوع ندارد و به گمان خویش آموزش و پرورش بایستی،

امر سلامت و آموزش تفریحات ورزشی در مدرسه و بیرون از مدرسه بپردازد. که عملاً منتظر است به مثابه حرکاتی که در دوهای امدادی هست، آموزش و پرورش صد متر اولیه را بپیماید و حاصل کار را به وزارت ورزش و جوانان برای تکمیل آموزشها بسپارد. در صورتی که آموزش و پرورش نه توانایی این کار دارد و نه امکانات و تجهیزات و تسهیلات لازم برای انجام دادن این مهم در اختیارش قرار گرفته است. البته باید یادآوری کنیم که یکی از مسئولانی که در سازمان تربیت بدنی حضور یافت و حداقل به نقش تربیتی ورزش بیش از سایر مؤلفهها توجه داشت، آقای مهندس هاشمی طباء بوده است. ولی عملاً از فرصت خدمتی خود که کم هم نبوده است، برای زیر پوشش قرار دادن بالغ بر

**در دوران ریاست مرحوم  
علاقه‌مندان در سازمان پژوهش  
و برنامه‌ریزی آموزشی، عنوان  
شد که درس تربیت بدنی مشابه  
سایر دروس در مدارس باید  
کتاب‌درسی و کمک آموزشی  
داشته‌باشد**

این قشر کودک و نوجوان و جوان را در پوشش برنامه‌های آموزش تربیت بدنی قرار دهد. حال این که آموزش و پرورش با محدودیت امکانات خود نمی‌تواند اولویتی برای انجام دادن این امر در مقیاس با رسالت‌های دیگر خود داشته باشد، ولی وزارت ورزش و جوانان مسئولیت اصولی و اساسی در اولویت‌بخشی به آموزش تربیت بدنی برای همکاران دارد و اگر وزارت مذکور با منابعی که در اختیار دارد، به کمک آموزش و پرورش بیاید، می‌تواند با امکاناتی که آموزش و پرورش از حیث عاملان مجرب و آموزش دیده و برنامه‌های آموزشی مناسب که در اختیار دارد، از دوران پیش‌دبستانی تا دانشگاهی را در پوشش برنامه‌ها و امکانات خود و حتی منابع مالی در اختیار قرار دهد. و از این فرصت در تحقق



۱۵ میلیون دانش آموز و عاملان آن، اقدامی نداشت، گرچه امروز، افسوس و دریغ فرصت گذشته را دارد و مخصوصاً خود من که در زمانی از معاونان ایشان بودم، قائل به این امر بودم که سازمان تربیت بدنی وقت بایستی معاونتی را در ساختار خود ایجاد کند که طبقات دانش آموز و دانشجو را در تکمیل آموزش های ورزشی برای تحقق امر سلامت و گذراندن اوقات فراغت و نهایتاً استعدادیابی در امر ورزش قهرمانی هدایت بکند که اختصاص به سنین دوره های مذکور دارد، که متأسفانه این هدف محقق نشده است. گرچه در اصلاح ساختار نظام تربیت بدنی در بعد از انقلاب، مقرر نشد که بر روی سازمان تربیت بدنی مطالعاتی صورت گیرد که آیا نظام مناسبی برای پاسخ گویی به امور ورزش در جامعه اسلامی هست یا خیر؟

حسب تکلیف رئیس دولت وقت مقرر شد مطالعاتی با مشارکت سازمان های ذیربط از جمله سازمان امور استخدامی و سازمان برنامه و بودجه وقت و نمایندگان و آموزش عالی صورت پذیرد که نهایتاً به تدوین نظام پیشنهادی به نام وزارت تربیت بدنی و ورزش منجر شده است که در ساختار مذکور جدای از آموزش درس تربیت بدنی که عهده دار آن آموزش و پرورش بوده است، معاونتی در وزارت پیشنهادی پیش بینی شده بود که در اوقات فراغت دانش آموز و دانشجو و کودک، نوجوان و جوان در پوشش برنامه های آموزشی و تفریحی وزارت مذکور قرار بگیرد. عملاً آن پیشنهاد در زمان، متوقف، و حسب پی گیری های ثانوی به

تشکیل وزارت ورزش و جوانان با حمایت نمایندگان مجلس در دولت آقای احمدی نژاد منجر شده است که به زعم این جانب وزارت ورزش و جوانان بایستی با پیشینه مطالعات مذکور پیوندی برقرار کند و با بهره گیری از سوابق تجربی بسیاری از کشورهای موفق

در این زمینه از جمله کشورهای کره جنوبی، فرانسه، استرالیا و... که هم اکنون وزارت ورزش و جوانان دارند، به این مهم دست یابد.

نظر شما نسبت به تصمیمات و برنامه های اخیر آموزش و پرورش طی دو سال اخیر نسبت به توسعه ورزش در مدارس چیست؟ به نظر شما آیا با انجام دادن این کارها مانند توسعه آموزش شنا و استخدام ۱۵ هزار معلم ورزش، به جایگاه اصلی ورزش در مدارس خواهیم رسید؟

به نظر این جانب بهره مندی از تجربه های کشورهای توسعه یافته که با طرح یک نوبتی آموزش مدرسه در دوره های تحصیلی که به طور روزانه هشت ساعت است و در ساعات مذکور هم حتی همه روزه درس تربیت بدنی را در برنامه دانش آموزان گنجانده اند با فرض بر این که بچه ها برای آموزش دروس دیگر بایستی سالم و با نشاط بوده و از خستگی های ناشی از آموزش دروس دیگر نیز با حضور در درس ورزش بازپروری شده و خستگی های ناشی از کار و تلاش روزانه را از خود دور سازند. امیدوارم نظام آموزش و پرورش در تغییر بنیادین برنامه های خود، به اهمیت درس تربیت بدنی برای تأمین ویژگی های تربیتی آن تبلور آن شرایط سهل و ممتنع را دارد و تحقق امر سلامت که به تعبیر حضرت رسول اکرم (ص) «سلامتی از بهترین نعمت های انسان است» و باز به تعبیر حدیثی از حضرت امام حسین (ع)

«در تمام عمر مباردت به آموزش سلامت جسمانی داشته باشید»، قبل از این که دیر شود و فرزندان این ملت که بایستی از مواهب سلامت برخوردار بوده و از طریق برنامه های ورزش کمک به شکوفایی استعداد های تربیتی خود کنند تا شهروندی مفید شوند، و برای گذران اوقات

**امروزه، ثابت شده است که فضای آموزشی که درس تربیت بدنی و نهایتاً معلم ورزش ایجاد می کند، می تواند بهتر و مهم تر از سایر دروس در کشف شکوفایی استعداد های تربیتی مفید واقع شود**



جدیدت بیشتر در نظام آموزشی برنامه‌ریزی کرد تا به اهداف مورد نظر دست یابد.

در چنین اوضاعی، معلمان سعی دارند دانش‌آموزی بهتر و مطلوب‌تر به کمک دانش‌آموزان پرود و تلاش کنند همه اهداف قلمروهای شناختی، احساسی و روانی حرکتی را در وجود دانش‌آموزان نهادینه کنند و از آنان انسان‌های رشد یافته و شهروندی مناسب بسازند.

در صورت تحقق امور مزبور، ارزشیابی از درس تربیت‌بدنی مقبولیت می‌یابد، بدین ترتیب موجبات خوشنودی دانش‌آموزان و اولیای آنان در اهمیت‌بخشی به درس تربیت‌بدنی فراهم خواهد شد.

مشکلات و معضلات زیادی وجود دارد که کار را برای معلمان ورزش سخت کرده است. به نظر شما معلمان ورزش چگونه می‌توانند در این اوضاع در انجام دادن رسالتشان موفق شوند؟

آ جا دارد از استادم مرحوم دکتر حسین بنایی یاد می‌کنم که معلم ورزش بودن را از دبستان‌های مشهد آغاز کرد و آقای دکتر اکرامی که مدیر باشگاه شاهین بود و آن‌چه که امروز توشه و اندوخته تربیتی است شاید محصول دانش، جدیت و اهتمام آن چهره‌هاست که با نوع نگاهی که به انسان و انسانیت داشتند، تلاش‌شان بر این بود که از ابزار ورزش در تربیت اشخاص، آنجا که باید اهل ایثار باشند، اهل گذشت باشند، اهل تعامل و همکاری باشند، اهل نظم و انضباط باشند،

اهل دوست‌داشتن هم‌نوع باشند،

کارگروهی بلد باشند، برای سازندگی پیش‌قراول باشند، استفاده کنند.

مرحوم دکتر بنایی می‌گفت:

وقتی من از دبستان شروع کردم

امکاناتی در مدرسه نداشتم. تلاش

من بر این بود که با محدودترین ابزار

فراغت دریغ نوزند که امروزه ورزش از وسیله‌ها و ابزار مفید این امر در کشورهاست و سرمایه‌گذار هنگفتی در این زمینه صورت می‌گیرد.

اگر شما در حال حاضر معلم ورزش بودید چه می‌کردید؟

آ من به عنوان معلمی که در دانشگاه تدریس می‌کند و در تربیت بسیاری از معلمان آموزش و پرورش نقش دارد و اخیراً کتابی هم در سه مجلد تحت عنوان تربیت‌بدنی کودکان در دست چاپ دارم و قریباً عرضه و در اختیار معلمان آموزش و پرورش قرار می‌گیرد، نگرانی‌هایی را از ناحیه معلمان ورزشی که در کلاس درسی من حضور دارند می‌شنوم. گرچه انتظار ما این است که هر روز بهتر از دیروز و هر سال بهتر از سال‌های پیش باشد. در اوضاعی که ما مدعی داشتن روش‌های بهتری برای تربیت انسان با مدد گرفتن از مبانی مکتب انسان‌ساز اسلام هستیم، نوید آینده بهتر مدّ انتظار است. ولی در چشم‌انداز برنامه بیست ساله نظام اشاره‌ای به اهمیت تربیت‌بدنی برای داشتن مردمی با نشاط و سالم پیش‌بینی نشده است که جا دارد شورای تشخیص مصلحت نظام به این مهم بیندیشد تا معلمان با دلگرمی و حمایت نظام مسئول در آموزش و پرورش و نهایتاً مدارس که پایگاه آموزشی این امر هستند بتوانند با دانش و اطلاعاتی که در دوران تحصیل دانشگاهی کسب کرده‌اند، موجبات تحقق اهداف تربیت‌بدنی شوند. همچنین با تدوین

برنامه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی برای

معلمان و نیز افزایش زمان مورد نظر

به نحوی که در برنامه‌های چهارم

و پنجم توسعه پیش‌بینی شده،

و حسب نظر وزیر محترم که در

کنار هر مدرسه بایستی فضای

آموزشی مناسب ساخته شود،

درس تربیت‌بدنی را می‌بایست با

اگر ما معلمان ورزش  
تلاش نکنیم که با  
کار آفرینی موجبات رشد  
دانش‌آموزان را فراهم  
کنیم، غفلت کرده‌ایم

بتوانم وسایلی بسازم که با آن موجبات رشد بچه‌ها را فراهم کنم و بگویم درس تربیت‌بدنی می‌تواند از درس‌هایی باشد که انسان را انسان‌تر کند، بنابراین آنچه که به نام چالش وضعیت موجود که وجود برخی از محدودیت‌هاست (از جمله زمان، کتاب یا منابع آموزشی) ولی در حال حاضر ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که همه این منابع می‌تواند به شکل دیگری در اختیار معلمان ورزش باشد. گرچه آموزش و پرورش آن‌ها را چاپ نکرده باشد. هم در منابع فارسی یا کتاب‌هایی که دانشگاه‌ها چاپ کرده‌اند یا در کلاس‌های درسی به این معلمان آموزش داده شده و امکانی که وجود معلم و مخاطب آن که دانش‌آموز است و در اختیارش است، کم سرمایه‌ای نیست و این فرصت کمی که حداقل یک یا دو ساعت است که به عنوان درس تربیت‌بدنی در طول هفته دارند، به راحتی با همت و تلاش خود می‌توانند به سلامت، تربیت و انسان شدن دانش‌آموز کمک کنند و فرض کنند که این‌ها امانت‌های خدا و امانت مردم هستند و در دست ما معلمان که نقش انبیاء و نقش انسان‌های والا و برتر را در جامعه داریم. اگر ما مسئولیت‌شناس و وظیفه‌شناس نباشیم و اگر تلاش نکنیم که با کارآفرینی موجبات رشد دانش‌آموزان را فراهم کنیم، غفلت کرده‌ایم و از فرصتی که در اختیارمان بوده است استفاده بهینه نداشته‌ایم و مخاطبی که ملازم با فطرتش است و انتظار دارد ما از طریق این درس به رشد و سلامتش کمک کنیم و به پرورش استعدادهای وجودی او کمک کنیم

که او را انسان بار آوریم، یاری نکرده‌ایم شرایطی که امروز در نگاه اندیشمندان و دانشمندان حسب نظریه‌های مختلف علمی به وجود آمده که بازی را همچون ابزاری تربیتی در تربیت تلقی می‌کنند و حرکت را مبنای یادگیری قرار می‌دهند و سلامت را مهم‌ترین نعمت الهی

**امروزه بسیاری از معلمان موفق، معلمانی ورزشی هستند که با عشق و علاقه و کوشش خود سعی کرده‌اند به این درس معنا ببخشند**

می‌دانند که در نظر بشر به ودیعت گذاشته شده، همه این امکانات در درس ورزش هستند، گرچه اندک باشند. این‌ها همه در اختیار معلم هست و او می‌تواند با آگاه‌سازی اولیای مدرسه و آگاه کردن خانواده‌ها هم بستری را فراهم آورد که آن‌ها با این دانش، اهمیت و فواید آن بیشتر آشنا شوند و با امتحان ارزش‌های این دانش و ارائه آن به بچه‌ها وظیفه و رسالت خود را انجام دهند. زمینه فعالیت ممکن است به اندازه‌ای که او می‌خواهد نباشد، اما اگر از آنچه که هست نخواهد برای بهبود بخشیدن به شرایط و کمک به رشد بچه، به عنوان یک معلم که این فرصت در اختیارش قرار گرفته و در قبالتش مسئولیت دارد، استفاده کند، به نوعی غفلت در انجام دادن وظیفه تلقی می‌شود. بسیاری از معلمان موفق امروزه در نظام آموزش و پرورش در درس تربیت‌بدنی هستند که با عشق، علاقه و کوشش خود سعی کردند به این درس معنا ببخشند. معلمان ورزش در قیاس معلمان دیگر چیزی کم ندارند، شاید امکاناتی که دیگر معلمان دارند خیلی بیشتر از معلمان ورزش نباشد. توصیه من به عنوان یک معلم این است که به‌رغم محدودیت‌ها، این امکان هست که ما از این درس برای تربیت سلامت و تفریح بچه‌ها بیش از پیش استفاده کنیم گرچه همه ایده‌آل‌ها و آرمان‌هایمان حسب آنچه که در دانشگاه‌ها آموخته‌ایم یا محصول زحمت و تلاش ماست در مدرسه یا پیرامون مدرسه فراهم نباشد، ولی اگر ما آنچه که هست را مدیریت کردیم و از آنچه که هست استفاده بهینه کردیم و توانستیم به نقش معلمی و فرصتی که در

تعلیم و تعلم بچه‌ها داریم مبادرت کنیم، مطمئن باشیم که خدا هم ما را در انجام دادن این مقصود کمک خواهد کرد و با آگاهی‌بخشی مسئولان و اولیای مدارس آن‌ها هم بیشتر از گذشته در تحقق این ارزش‌ها مدد رسان ما خواهند بود.